

سرمقاله

دستمزد ۱۴۰۵ در مسیر دشوار تصمیم‌گیری

ادامه از صفحه یک...
کارفرمایان و نمایندگان کارگری را آغاز کند، هنوز نشانه‌ای از آمادگی جدی در این زمینه دیده نمی‌شود. این درنگ در شرایطی رخ داده که اقتصاد ایران یکی از سخت‌ترین سال‌های خود را پشت سر گذاشته و چشم‌انداز روشنی نیز برای سال آینده وجود ندارد. کارشناسان حوزه کار می‌گویند دبیرخانه شورای عالی کار هنوز فعال نشده و هیچ طرح مشخصی برای بررسی و تعیین مزد در دستور کار نیست. این در حالی است که هر سال از نیمه دوم باید جلسات کارشناسی آغاز شود تا داده‌ها، شاخص‌ها و تحلیل‌های لازم برای تصمیم‌گیری فراهم آید. امسال اما وضعیت اقتصادی چنان آشفته و پرابهام است که تأخیر در آغاز مذاکرات، خود به عاملی برای تشدید بی‌اعتمادی و نگرانی در میان گروه‌های کارگری و حتی کارفرمایی تبدیل شده است. تورم بالا، کاهش قدرت خرید، رکود بازار و محدودیت‌های بودجه‌ای دولت، همگی شرایطی را رقم زده‌اند که تعیین حداقل مزد را به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سال آینده بدل کرده‌است. برآوردها نشان می‌دهد تورم سال آینده می‌تواند از ۵۰ درصد فراتر رود؛ چرا که نه در عرصه سیاست خارجی تغییری جدی رخ داده و نه در داخل کشور نشانه‌ای از اصلاح‌ساختار اقتصادی دیده می‌شود. بازارها همچنان ملتهب‌اند، تحریم‌ها پابرجاست و فضای کسب‌وکار زیر فشار هزینه‌ها و نااطمینانی‌ها قرار دارد. در چنین شرایطی، پرسش اصلی این است که آیا امکان دارد حداقل دستمزد متناسب با نرخ تورم افزایش یابد؟ پاسخ اغلب کارشناسان منفی است. توان مالی مالکانگاه‌ها و منابع عمومی دولت، تاب چنین افزایشی را ندارد. اما از سوی دیگر، بی‌توجهی به معیشت خاورها نیز می‌تواند آثار اجتماعی و اقتصادی خطرناکی به همراه داشته باشد. بنابراین دولت ناچار است میان دو فشار اسفندسنگین — تأمین معیشت نیروی کار و حفظ توان پرداخت بخش تولید — تعادلی ظریف برقرار کند. یکی از مباحث کلیدی در این میان، موضوع خط فقر نسبی است. دولت اخیراً از تعریف «خط فقر مطلق» سخن گفته، اما آنچه برای سیاست‌سازعمده اهمیت دارد، خط فقر نسبی است؛ شاخصی که دستمزد را نسبت به درآمد جامعه را می‌سنجد. بر اساس محاسبات موجود، خط فقر نسبی در کشور از ۵۵ میلیون تومان گذشته، در حالی که متوسط حقوق کارگران، کارمندان و بازنشستگان حدود ۱۷ میلیون تومان است. این شکاف بزرگ میان درآمد و هزینه، بیانگر آن است که حتی با افزایش‌های معمول سالانه، قدرت خرید مردم همچنان در سراسریشی سقوط قرار دارد. بی‌تردید، پنهان‌کاری در اعلام رسمی خط فقر و نادیده‌گرفتن شاخص‌های واقعی هزینه‌زندگی، آسیب‌های جدی به همراه دارد. سیاست‌گذاری بدون داده‌های شفاف، تصمیم را از واقعیت دور می‌کند و موجب بی‌اعتمادی عمومی می‌شود. دولت اگر می‌خواهد از بحران معیشتی و نارضایتی اجتماعی پیشگیری کند، باید با صداقت و شفافیت، واقعیت‌های اقتصادی را بپذیرد و بر اساس آن تصمیم بگیرد. در کنار این مسائل، وضعیت کارفرمایان نیز قابل چشم‌پوشی نیست. بسیاری از بنگاه‌های تولیدی، به‌ویژه در بخش خصوصی، در شرایط دشواری به سر می‌برند. هزینه مواد اولیه، مالیات، بیمه و انرژی بالا رفته و تقاضای داخلی نیز کاهش یافته است. نتیجه این وضعیت، کوچک شدن بازار کار رسمی و رشد فعالیت‌های غیررسمی است؛ به گونه‌ای که برآورد می‌شود بیش از نیمی از کسب‌وکارهای کشور خارج از چارچوب رسمی و نظارتی فعالیت می‌کنند.

یادداشت

بازگشت‌واشنگتن به عصر واقع‌گرایی خشن

ادامه از صفحه یک...
اوج رسید، اکنون با چهره‌ای جدید و لحن تهاجمی‌تر در دستور کار ترامپ قرار گرفته است. اما پرسش اصلی اینجاست: آیا ترامپ واقعاً به دنبال صلح است یا در پی بازسازی جایگاه در حال افول آمریکا از مسیر تهدید، تحریم و نمایش اقتدار؟ صلح از طریق قدرت، برخلاف ظاهر آرامش‌طلبانه‌اش، در واقع مبتنی بر منطق بازدارندگی و ترس است. این دکترین بر این فرض استوار است که اگر کشوری با نظر نظامی و اقتصادی قدرتمند باشد، دیگران جرأت درگیری با آن را نخواهند داشت. از پایان جنگ جهانی دوم تا کنون، رؤسای جمهور آمریکا بارها این ایده را تغییراتی در شکل و محتوا اجرا کرده‌اند. ترامپ نیز پس از چند دولت دموکرات و جمهوری خواه، به همان شیوه قدیمی بازگشته و «علا همان مفهوم دوران نیکسون و ریگان را با ظاهری جدید دنبال می‌کند. در عمل، سیاست ترامپ بر دو محور اصلی استوار است: افزایش بودجه نظامی و اعمال فشار اقتصادی. او از وزارت دفاع، که در گذشته «وزارت جنگ» نامیده می‌شد، همان کارکرد را انتظار دارد. افزایش قدرت نظامی، اعمال تحریم‌های گسترده و تهدید آشکار برای وارد کردن طرف مقابل به عقب‌نشینی یا مذاکره، الگوی ثابت اوست. این مدل را در پرونده‌های مختلف دیده‌ایم؛ از تهدید پاناما و کانادا گرفته تا جنگ تعرفه‌ای با چین و فشارهای اقتصادی بر روسیه و جمهوری اسلامی ایران. حتی در ماه‌های پایانی دولت اول ترامپ، برخی از این سیاست‌ها تا آستانه درگیری نظامی نیز پیش رفت. ترامپ مدعی است که به چندین جنگ پایان داده، اما این ادعا بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد تا واقعیت میدانی. در هیچ‌یک از مناطق مورد اشاره، جنگی به معنای واقعی کلمه پایان نیافته است. اوداعا می‌کند میان ایران و رژیم صهیونیستی یا در خاورمیانه صلح برقرار کرده، در حالی که این صرفاً درگیری‌های محدود یا تبلیغاتی بوده و نه جنگ تمام‌عیار. حتی در برخی موارد، ترامپ خود آغازگر تنش‌ها بوده و حالا چگونه می‌تواند مدعی پایان آن‌ها شود؟ آنچه ترامپ در دنبال می‌شود، عبور از نظریه «صلح دموکراتیک» است که در دوره جورج بوش پسر مبنا قرار گرفته بود. در آن نظریه، تصور بر این بود که کشورهای دموکراتیک با یکدیگر وارد جنگ نمی‌شوند. اما ترامپ با رویکردی متفاوت، صلح را نه بر مبنای دموکراسی، بلکه بر پایه قدرت و منافع تعریف می‌کند.

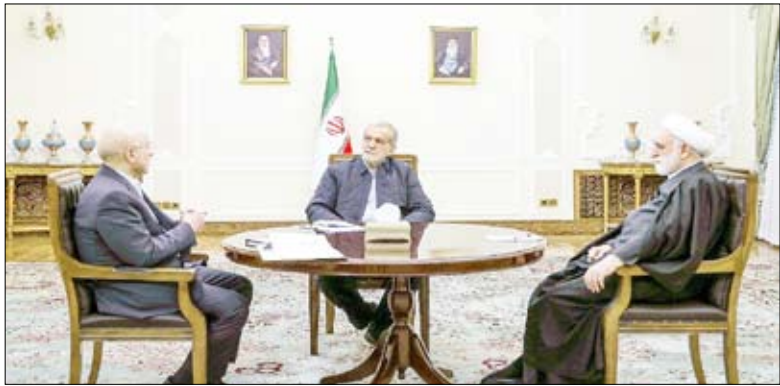
بانک مرکزی با بانک‌های ناتراز بر خورد کند



مصطفی مطور زاده، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به موضوع انحلال بانک آینده و نقش نظارتی مجلس در این زمینه پرداخت. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی انحلال این بانک را اقدامی ضروری و مناسب از سوی دستگاه قضایی دانست و تأکید کرد: این تصمیم باید سال‌ها پیش اتخاذ می‌شد تا فشار تورمی ناشی از عملکرد این بانک بر نظام اقتصادی تحمیل نمی‌شد. وی با اشاره به اضافه‌برداشت‌ها و بدهی‌های سنگین بانک آینده به بانک مرکزی، بیان کرد که این عوامل به شکل‌گیری تورم در جامعه کمک کرده بودند. مطور زاده همچنین هشدار داد: چند بانک دیگر نیز وضعیت ناتراز دارند و نیازمند اصلاح ساختار و ساماندهی هستند. در غیر این صورت، احتمال تکرار تجربه بانک آینده وجود دارد و این موضوع می‌تواند سرمایه اجتماعی و رضایتمندی مردم را تحت تأثیر قرار دهد. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: بانک آینده هیچ نقشی در رونق تولید و اشتغال نداشت و منابع مردم صرف توسعه ساختمان‌ها و پروژه‌های مجلل می‌شد، بنابراین انحلال آن ضرورت داشت.

تجارت، از گام جدید دولت و مجلس برای تغییر شیوه تخصیصی ارز ترجیحی گزارش می‌دهد

اصلاح سیاست ناکام ارزی



چندگانه ارز همواره زمینه‌ساز جوی‌وبی و سوءاستفاده بوده‌اند. تفاوت میان نرخ ارز ترجیحی و نرخ بازار آزاد، انگیزه‌های قوی برای واردات صوری، قاچاق کالا و فروش آن در بازار آزاد ایجاد کرده است. بسیاری از واردکنندگان کالا را با ارز دولتی وارد کرده و در سراز آزاد به قیمتی چند برابر فروخته‌اند. این پدیده نه تنها به زیان مصرف‌کننده است، بلکه اعتماد عمومی به سیاست‌های حمایتی دولت را کاهش داده و تصویر سیاست اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فشار بر بودجه و کسری منابع نیز یکی دیگر از پیامدهای منفی ارز ترجیحی است. تخصیص ارز ارزان به معنای هزینه پنهان برای دولت است؛ بانک مرکزی باید مابه‌التفاوت نرخ ترجیحی با نرخ بازار آزاد را از منابع ارزی خود تأمین کند. این اقدام باعث افزایش پایه پولی و در نتیجه رشد تورم می‌شود. بنابراین، یارانه‌ای که هدفش حمایت از مردم است، به شکل غیرمستقیم فشار اقتصادی بر همه جامعه را افزایش می‌دهد. همچنین، ضرورت اصلاح ساختاری اقتصاد ایران نیز یکی دیگر از دلایل مهم بازنگری در سیاست ارز ترجیحی است. اقتصاد ایران سال‌هاست با چند نرخ پودن ارز مواجه است و این ساختار پیچیده، شفافیت و کارایی بازار را کاهش داده است. اصلاح نحوه تخصیص ارز ترجیحی بخشی از سیاست کلی حرکت به سمت تک‌نرخ شدن ارز و ایجاد شفافیت اقتصادی است. این اصلاحات، اگر به درستی انجام شود، می‌تواند ضمن کاهش رانت و فساد، اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی دولت را بازسازی کند و منابع مالی را به مسیر درست هدایت نماید.

▪ کارشناسان درباره ارز ترجیحی چه می‌گویند؟

در بحث اصلاح ارز ترجیحی، کارشناسان اقتصادی چند سناریو متفاوت را پیشنهاد کرده‌اند. یکی از این سناریوها، افزایش تدریجی نرخ ارز ترجیحی بر اساس نرخ تورم است. ایده اصلی این است که نرخ ارز ترجیحی متناسب با تورم سالانه تعدیل

گروه اقتصاد کلان: محمدحسین کریم، عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، به بررسی چالش‌های اقتصادی ایران و ضرورت استقلال بانک مرکزی از دولت پرداخت و سایر ابعاد به تحلیل مکانیسم ماشه و تأثیرات آن بر اقتصاد کشور، تأکید کرد که ایران در سال‌های تحریم قوی‌تر شده است. وی بیان کرد که مکانیسم ماشه یک عمل تبعیضی نیست و به‌طور خاص از ۴۵ سال پیش توسط غرب و به‌ویژه آمریکا اجرائی شده است. او سوال می‌کند که چه کسی نقش عهد کرده است و در پاسخ می‌گوید که ایران نقض عهد نکرده، بلکه آمریکا و اروپا این کار را انجام داده‌اند. کریم افزود: مکانیسم ماشه ابعاد پنج‌گانه‌ای دارد که شامل محدود کردن واردات و صادرات، محدود کردن دارایی‌ها و املاک ایران در خارج، محدود کردن سفر مقامات کشور به خارج،

گروه اقتصاد کلان: حاکم امکان نماینده مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرنگار مهر، با اشاره به حضور اخیر مدنی زاده‌وزیر امور اقتصادی و دارایی و آمارهایی که پیرامون صدور مجوز از درگاه ملی مجوزها ارائه شد، مبنی بر اینکه «با توجه به اتصال حدود ۹۷ درصد مجوزها به درگاه ملی مجوزها، موضوع تسریع در اتصال ۱۲۷ مجوز باقی‌مانده همچنان در دستور کار قرار دارد»، اظهار کرد: در راستای همین موضوع، کمیسیون اقتصادی مجلس چندین جلسه با مسئولان وزارت امور اقتصادی و دارایی، به‌ویژه معاونت بازرگانی این وزارتخانه و سایر دستگاه‌های اجرایی مرتبط



فروش نفت، فروش تسلیحات و موارد هسته‌ای می‌شود. به گفته وی، تأثیر تحریم‌های موشکی و هسته‌ای بیشتر از سایر ابعاد مکانیسم ماشه خواهد بود. عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی اظهار داشت: بانک مرکزی استقلال و قدرت کافی برای مبارزه با رانت‌خواران و دلالان را ندارد، زیرا از جانب دولت دست‌وپاگیر است. به عنوان نمونه، بانک مرکزی کشورهاى هند، ترکیه، مالزی و ... به عنوان یک وزارتخانه یا یک دولت مستقل عمل می‌کنند و واقع‌بانک مرکزی این کشورها با دولت همراه هستند اما دست‌وپاگیر نیستند. این بانک‌ها با استفاده از تحولات بین‌المللی و اقدامات کارشناسی خود، تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کنند.

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس مطرح کرد؛

اخطار به دستگاه‌های کم‌کار در اتصال مجوزها به درگاه ملی

برگزار کرده است. وی عنوان کرد: واقعیت این است که در بخش‌هایی از اجرای این طرح، قصورهایی از سوی وزارت اقتصاد وجود داشت. اما طی ماه‌های اخیر، همکاران ما در این وزارتخانه اقدامات قابل‌توجهی انجام داده‌اند و اعلام کرده‌اند که ۳ درصد مجوزها باقی‌مانده نیز در حال اتصال هستند. باین حال، برخی از دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها همکاری لازم را نداشتند. این نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: این در حالی است که مردم اطلاعات خود را در سامانه بارگذاری کرده‌اند و طبق قانون، دستگاه‌ها باید ظرف سه ماه مجوز را صادر کنند. اگر استعلامات مورد نیاز از سوی

دستگاه‌ها در موعد مقرر پاسخ داده نشود، قانون آن را به‌منزله تأیید (مثبت بودن استعلام) تلقی می‌کند و صدور مجوز باید انجام گیرد. مکان افزود: اما مشکل اصلی در حال حاضر، استنکاف برخی از دستگاه‌ها از انجام وظایف قانونی‌شان است. من فعلاً نمی‌خواهم نام این وزارتخانه‌ها را ذکر کنم، اما باید بگویم که برخی از آنها حتی کمتر از دو تا سه درصد در این زمینه مشارکت داشته‌اند. وی تصریح کرد: کمیسیون اقتصادی مجلس و وزارت اقتصاد به صورت رسمی به این دستگاه‌ها اخطار خواهند داد و این موضوع هم از سوی کمیسیون اقتصادی و هم وزارت اقتصاد پیگیری خواهد شد.

این نماینده مجلس شورتی اسلامی خاطر نشان کرد: طبق زمان‌بندی، در پایان آذرماه جلسه جمع‌بندی نهایی در این خصوص برگزار می‌شود تا دستگاه‌هایی که عملکرد مطلوبی نداشته‌اند مورد تذکر جدی قرار گیرند و اگر این دستگاه‌ها تا آن زمان اقدامات قانونی لازم را انجام ندهند، حتی ممکن است پرونده آنها به عنوان ترک فعل یا تخلف اداری به قوه قضائیه ارجاع شود. مکان در پایان تأکید کرد: ان‌شاءالله در آذرماه گزارش کامل عملکرد دستگاه‌های اجرایی در این زمینه آماده خواهد شد و مجلس در چارچوب اختیارات نظارتی خود، با متخلفان برخورد قانونی خواهد کرد.